

عنوان مقاله:

توسعه مالی و توسعه مرز امکانات سیاستی: آیا مبادله سیاستی تورم-بیکاری واقعا اجتناب ناپذیر است

محل انتشار:

اولین کنفرانس بین المللی مدیریت امور مالی، تجارت، بانک، اقتصاد و حسابداری (سال: 1398)

تعداد صفحات اصل مقاله: 22

نویسنده:

محمدعلی ابوترابی - استادیار اقتصاد، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

خلاصه مقاله:

در حالی که نقدها و تعمیم های زیادی بر منحنی فیلیپس وارد شده، اما اکثر این نقدها در قالب مفاهیم تورم و یا بیکاری بوده است. این پژوهش نقدی متفاوت بر این ادبیات دارد: آیا توسعه مالی می تواند مبادله سیاستی تورم-بیکاری را از کار انداخته و یا حتی معکوس کرده و از این طریق، مرز امکانات سیاستی را توسعه دهد در این پژوهش از رگرسیون غلتان بر پایه رهیافت خودبازگشت با وقفه های توزیعی جهت استخراج ضرایب شکاف تولید (به عنوان نماینده مبادله سیاستی) برای 33 کشور در حال توسعه و توسعه یافته استفاده شده است. هر چند بازه زمانی برای کشورهای مختلف متفاوت است، لذا برای اکثر این کشورها از 1988Q1 تا 2016Q4 در نظر گرفته شده است. برای بررسی اثر سیاست های توسعه مالی از رگرسیون خودبازگشت با وقفه های توزیعی و برای بررسی اثر شوک های توسعه مالی از رگرسیون خودبازگشت برداری استفاده شده است. به علاوه، با استفاده از روش تجزیه مولفه های اصلی، یک شاخص چندبعدی توسعه مالی بخش بانکی برای هر کشور استخراج شده است. یافته ها گویای آن است که برخی از کشورهای توسعه یافته و حتی در حال توسعه، با اتخاذ سیاست های مناسب توسعه مالی توانسته اند شدت مبادله سیاستی تورم و بیکاری را کاهش دهند؛ در مواردی موفق به کاهش همزمان تورم و بیکاری و ایجاد یک محیط اقتصاد کلان مقاوم در برابر شوک های مالی شده اند. با این حال، برخی دیگر ناموفق بوده اند. بنابراین بینش سیاستگذاران اقتصادی و نوع سیاست های اتخاذ شده در هر کشور است که مرز امکانات سیاستی و در نتیجه، وجود و یا شدت مبادله سیاستی تورم-بیکاری را تعیین می کند.

کلمات کلیدی:

مبادله سیاستی تورم-بیکاری، منحنی فیلیپس، توسعه مالی، شوک های مالی، رگرسیون غلتان

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1006491>

